

یکی از نقاط ضعف مانه تنهادرهواشناسی کشاورزی بلکه دردیگر جاها ، مرسوم و متداول نشدن ارزیابی ها و اقداماتی است که می تواند برای کشاورزان فقیر کشورهای در حال توسعه سودمند و مفید باشد (ترویج). شما مثالهایی از این دست را در این مقاله مشاهده خواهید نمود. بعنوان مثال پروژه پایلوتی که در یک سمینار در آندرا پرادش هندوستان تحت حمایت مالی پروفیسور مورتی قرار گرفت ، آنچنان که از دولت هندوستان انتظار می رفت مورد پیگیری قرار نگرفت (مطلب ارائه شده در تاریخ ۱۹ فوریه ۲۰۰۸ در این خصوص را در سایت ما، در بخش " نیازها جهت حل مشکلات زارعین در خصوص هواشناسی کشاورزی " ملاحظه فرمائید).

مثال دیگر در این خصوص (مدرسه های مزرعه - زارع) (FFSS) می باشد که در زمینه مدیریت تلفیقی آفات (IPM) خصوصاً جهت مبارزه با ملخ قهوه ای (BPH) برنج در کشور اندونزی مشهور گردیده اند. من قبلاً در تترسایت انجمن بین المللی هواشناسی کشاورزی در بخش (جنبه های آموزشی هواشناسی کشاورزی) در ماه نوامبر ۲۰۰۹ اعلام نمودم که پروژه های پایلوت سازمان خوار و بار جهانی (FAO) در مدرسه های مزرعه - زارع در مدیریت تلفیقی آفات در کشور چین هیچگاه مرسوم و متداول نگردید. متأسفانه در کشور اندونزی نیز این امر صادق می باشد. یکی از همتایان من در دانشگاه گادجاه مادا (UGM) در مرکز جاوه اندونزی ، حشره شناس پروفیسور کاسومبو گو اونتا نگ اخیراً به من گفت که جهت انجام مطالعات مزرعه ای در خصوص شیوع روبه تزاید ملخ قهوه ای در مناطق اصلی تحت کشت برنج در غرب ، مرکز و شرق جاوه از ایشان از طرف وزارت کشاورزی دعوت بعمل آمد. بخشهای زیادی از این مناطق طی فصول بارانی اخیر بطور شدیدی توسط ملخ قهوه ای خسارت دیده است . ایشان اعلام نمودند که من مطمئنم عامل طغیانهای اخیر آفت مذکور در اندونزی ، افزایش تغییر پذیری اقلیمی ناشی از تغییر اقلیم ، گسترش سطح زیر کشت برنجهای هیبرید و استفاده مفرط از آفت کشها توسط زارعین می باشد.

من (پروفسور استیگتر) در اینجا اضافه می‌نمایم که علت این امر خصوصاً این حقیقت می‌باشد که استفاده از مدیریت تلفیقی آفات که در مدرسه‌های مزرعه‌ای ارائه و باید مرسوم و متداول می‌گردید، توسط دولت اندونزی رها گردیده و مورد توجه قرار نگرفته است. مدرسه‌های مزرعه‌ای - اقلیم (CFSS) در اندونزی نیز همین وضعیت را دارد.

همتای من در دانشگاه اندونزی (UI) دی پوک در شرق جاوه، مردم‌شناس خانم پروفیسور یونیتا وینارتو چندین سال قبل به مدرسه مزرعه‌ای اقلیمی (CFSS) در منطقه وارنگ گونونکیدول (یوگیا کارتا) رفت و من نیز مدتی بعد به او پیوستم (گزارش مرا در این خصوص در زیر بخش هواشناسی کشاورزی عملی در ۷ ژانویه و ۲۷ می ۲۰۰۸ ملاحظه فرمائید). ما دریافتیم که کشاورزان آن ناحیه را با سوالاتی بدون جواب تنها گذاشته اند و امروزه فعالیتهای آن خانم توسط گروهی از دانشمندان در دانشگاه UGM دنبال می‌گردد و اینجانب نیز مواقعی از سال بعنوان مشاور با آنها همکاری می‌کنم. مجمع ما (SFS) یا فروشگاه مزرعه‌ای علم نامیده می‌شود که مجمعی از دانشمندان و کشاورزان روستای وارنگ بوده و به حل مشکلات موجود کشاورزان در فصل جاری می‌پردازیم. بهر حال آنچه که مامدتاً انجام می‌دهیم یاری رساندن در خصوص مشکلات و مسائل جاری می‌باشد اما در همان زمان موضوعاتی را جهت مدارس مزرعه‌ای اقلیم (CFSS) و مدارس مزرعه - زارع (FFSS) حل و فصل می‌نمائیم زیرا مرسوم شدن و ترویج آنها چیزی است که ما از دولت اندونزی انتظار داریم. بدون وجود آن پیشرفت واقعی وجود نخواهد داشت.

در حقیقت ما می‌بایست درک کنیم (همانطور که در ماه می در جلسه بحث و میزگردی که در دانشکده علوم اجتماعی و سیاسی دانشگاه اندونزی (UI) برگزار شد) که مبحث تغییر اقلیم تنها یک چشم انداز جدیدی از مبحثی قدیمی می‌باشد که عبارتست از: فقر و تخریب محیط‌های کشاورزی و شهری که دولت‌ها در گذشته بطور مناسب و شایسته آنرا مورد توجه و ملاحظه قرار نداده‌اند. بدین علت است که نه پیش بینی اقلیمی بلکه آسیب پذیری‌ها موضوعی می‌باشد که باید بعنوان مدخل مشکلات مورد بررسی قرار گیرد. طراحی و اجرای سیاست‌های مرتبط با این امر تاکنون انجام نشده است و این نقصان تقریباً همه جا دیده می‌شود.

شود و عامل آن مدیریت نامناسب و عدم وجود شبکه های امنیتی محیطی و اجتماعی می باشد که خود عمدتاً بعلت مدیریت نادرست و ناکافی منابع طبیعی و درآمدهای حاصل از آن به همراه ناکارآمدی نظامهای آموزشی می باشد. همانطور که اینجانب در سمینارهای هواشناسی کشاورزی خود بعنوان یک دانشمند داوطلب بحث می نمایم، برای اینکه یک کشور بتواند پیشرفتی واقعی در مبارزه با فقر داشته باشد، تاسیس سرویسها و خدمات اقلیمی ملی و خصوصی شهری و روستایی می بایست مدنظر قرار گیرد. یکی از موضوعات مهم در این خصوص اهمیت ارتباطات می باشد که به عقیده من بخشی از توسعه پایداری می باشد. من بسیار تحت تاثیر شرح و توصیفی قرار گرفتم که دیتمار و ترموند در مقاله سال ۲۰۰۸ خود تحت عنوان "هندوستان، ظهور یک غول آسیایی" ارائه داده بود. در این مقاله به کوششهایی که در هندوستان جهت رساندن اطلاعات جدید و تکنولوژی های ارتباطی به روستاها انجام شده، اشاره شده است. این امر در اثر خواست اکثریت جامعه روستایی اتفاق افتاده است. اومی گوید که جهت پر نمودن شکاف دیجیتالی و امکانات آموزشی بهتر جهت استفاده بیشتر مردم فقیر، هنوز در زمینه وسایل ارزان قیمت بیشتر و بهتر با کمبودها و کاستی هایی روبرو هستیم. نزدیک به ۴۰ درصد از جمعیت هندوستان واقعاً فقیرند که قریب ۴۰ میلیون نفر را شامل می شوند (جیوتی توتام - مجله تایم ۳ می ۲۰۱۰) و حداقل یک سوم کودکان آنها مابین ۶ تا ۱۴ سال داشته و به مدرسه ابتدایی نمی روند. بحث اخیر مرا با موهان ردی ویشواواران هندی در سایت INSAM در بخش (دو نقطه نظر) در ماه می ۲۰۱۰ مشاهده نمائید. جهت کسب خدمات هواشناسی کشاورزی و ایجاد و کاربرد آن در مقیاس وسیع، آموزش و ارتباطات عوامل اصلی در سیاستهای محلی محسوب می شوند.

مترجم و عضو هیئت موسس انجمن بین المللی هواشناسی کشاورزی: سید مسعود مصطفوی
دارانی